

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۴۳ دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۷، ۴ فوریه ۲۰۱۹

سازمان شفافیت بین الملل:
ایران به رتبه ۱۳۸
در میان کشورهای فاسد
جهان سقوط کرد

کاهش فروش نفت خام
ایران
به چهار کشور آسیایی

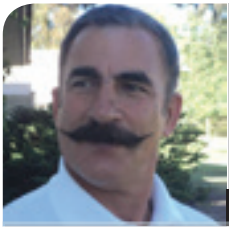
کنگره ملیت‌های ایران
فدرال
بیانیه‌ای منتشر کرد

۳

۳

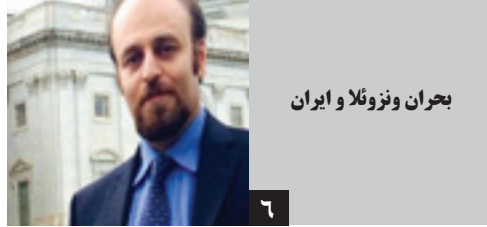
۲

www.kurdistanmedia.com



«گوران» آئینه‌ی تمام‌نمای
تاریخ زبانی ملت کورد

۷



بحران ونزوئلا و ایران

۶



نگاهی به پدیده سلطان‌ها
در اقتصاد ایران

۵



جلوه‌گری زبان کوردی در
ترجمه‌ی رمان
«The Sound and The Fury»

۴

سلفن

اربعین جنایت

کریم پرویزی

بنابر فرهنگ برخی از ملل، هنگامی که فردی از عزیزان و نزدیکان کسی فوت می‌کند، تنها سه روز مراسم سوگواری و عزا برگزار می‌کنند. اما در برخی دیگر از فرهنگ‌ها تنها در روز تدفین مراسم سوگواری می‌گیرند و مراسم عزای آن عزیز بیش از آن روز، ادامه نخواهد یافت. در یکی از کشورهای آمریکای لاتین نیز، در طول سال، روزی تحت عنوان روز مردگان وجود دارد که در آن روز همه مردم بر سر مزار عزیزانشان حاضر می‌شوند و مراسم مهمانی برگزار می‌کنند.

در ایران، بویژه در برخی از مناطق، مراسمات مختص به مردگان متنوع و متکثر است و از مراسم تدفین گرفته تا سه روزه و هفته و چهارم و سالگرد و پخش حلوا و... را می‌توان ذکر کرد. هنگامی که خانواده‌ای با ضایعه‌ی بزرگی روبه‌رو می‌شود، آن همه مراسم برگزار می‌کنند اما اگر ملت یا کشوری دچار ضایعه بزرگی شود و مردمان آن کشور را دچار ماتم و شوربختی کند، چه عزایی باید برای آن گرفت؟ قریب به چهل سال است که ملیت‌های ایران در گردابی از شوربختی گرفتار شده‌اند و هر سال در زمستان این درد و زنج‌ها تازه می‌شوند و زخم‌ها دهن باز می‌کنند و خون جاری می‌شود. هر ساله در سالگرد بازگشت اهریمن، رژیم حاکم، جشن پیروزی و غلبه‌اش بر آزادی را می‌گیرد و بر سر مزار آزادی گرد می‌آید و دست به پایکوبی می‌زند. همزمان مردمان ایران و ملیت‌های تحت ستم به نهانی در خانه‌های‌شان و به گرد آلام‌ها و آرزوهای‌شان مراسم عزا می‌گیرند. رژیم اسلامی تهران، شاید خود را برای آن همه جنایت و توحشی که برای بقاء خود انجام داده آماده نکرده بود، همانگونه که اهریمن بازگشته از اروپا گفته بود که در حکومتشان کمونیست‌ها و

۴۰ سال شوربختی



۷۶ میلیارد تومان افزایش یافته است. رژیم ایران در سطح منطقه نیز آنچنان که عیان است در چندین جنگ ویرانگر نقش اصلی را داشته که عبارتند از جنگ سوریه که تا مارس ۲۰۱۸، ۵۱۱ هزار نفر کشته، ۶ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر آواره و ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار پناهنده را برجایی گذاشته و همچنین طی جنگ یمن نیز ۱۰ هزار کشته و ۲ میلیون نفر آواره به ثبت رسیده است. در سطح بین‌المللی در رابطه با مساله تروریسم، علاوه بر ترور دگراندیشان کورد و ایرانی که برجسته‌ترین آن‌ها ترور وین و برلین می‌باشد، جمهوری اسلامی بصورت مستقیم در تعدادی از ترورهای دیگر دست داشته که اختصاراً عبارتند از: انفجار ۱۹۸۳ در بیروت، انفجار آمیا در بوینس‌آیرس آرژانتین، انفجار در عربستان و بویژه انفجار سال ۶۶ در مکه و همچنین تعداد دیگری از ترورهای در دهلی، تفلیس، بانکوک، باکو، استکهلم و ترکیه که طی عملیات‌های مذکور شهروندان خارجی مورد هدف قرار گرفتند.

مجموع این آمارها و اطلاعات، این واقعیت را بر ما آشکار می‌سازد که ۴ دهه حاکمیت شوربختی بر ایران، سندی غیرقابل انکار بر ورشکسته بودن رژیم اسلامی و لزوم نابودی این سیستم می‌باشد.

شامل وخامت اوضاع زندگی، تبعیضات اجتماعی، فاصله طبقاتی و شکست‌های پی‌درپی در زندگی است. بحران آب، بحران ریزگردها، خشک شدن دریاچه‌ها، چشمه‌ها و منابع آب زیرزمینی بخش دیگر از فجایع و بحران‌های روزانه‌ای است که مردم ایران با آن روبه‌رو هستند و عامل اصلی وجود و گسترش این بحران‌ها نیز مدیریت غیرعلمی رژیم می‌باشد. با تمام این اوصاف رژیم اسلامی ایران به جای آنکه به حل و رفع بحران‌های مذکور دست بزند به صرف بودجه‌های کلان در اموری می‌پردازد که در کاهش درد و رنج‌های مردم هیچ تاثیری ندارد و تنها مساله صدور ایدئولوژی‌اش برای او مهم و اساسی است. پیش‌بینی شده که ۱۸۰۴ مداح تحت پوشش بیمه قرار گرفته‌اند که برای هرکدام حداقل یک میلیون و ۹۴۰ هزار تومان تعیین گردیده که مجموعاً به مبلغ ۳ میلیارد و ۵۰۰ هزار تومان می‌رسد! همچنین روزانه یک میلیون و ۱۹۰ هزار و ۱۰۰ تومان به سازمان ژئوفیزیک دانشگاه تهران اختصاص داده شده تا اوقات شرعی روزانه را تعیین کند! همچنین بودجه‌ی سازمان‌ها و نهادهای سرکوبگر بصورت چشم‌گیری افزایش یافته‌اند، به عنوان مثال بودجه قرار خاتم‌الانبیا ۳۳۵ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان پیشنهاد شده که در قیاس با سال گذشته

مرکز تحقیقات مجلس اعلام کرده است که ۱۲ درصد مردم تهران زیر خط فقر مطلق قرار دارند. استان سیستان و بلوچستان به عنوان فقیرترین استان ایران مشخص شده که بصورت میانگین از ۳۸ درصد فقر مطلق رنج می‌برد. البته آمارهای مذکور متعلق به سال ۹۵ می‌باشد که در آن زمان نرخ تورم ۱۰ درصد اعلام شده بود. ایران در سطح جهانی، در رتبه دوم مصرف مواد مخدر قرار دارد. حداقل ۵۰ هزار معتاد خیابانی در شهرهای ایران وجود دارند و تا به امروز نیز آمار زنان معتاد خیابانی مشخص نشده است. اما حکومت مدعی است که بطور کل ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار معتاد وجود دارند که مقایسه آمار مذکور با سال ۹۰ شمسی مشخص می‌کند که این تعداد دو برابر شده و سالانه ۷۵۰ کودک معتاد، متولد می‌شوند. در رابطه با بیماری‌های روانی، روانشناسی ایران اعلام کرده است: ۲۰ درصد جامعه ایران از یک نوع اختلال روانی رنج می‌برند و شدت و سطح آن‌ها متفاوت است. اما شایع‌ترین اختلالات شامل: افسردگی، استرس، اضطراب و اختلالات خواب می‌باشد. رئیس انجمن آسیب‌شناسی اجتماعی ایران نیز اعلام کرده: ایران جزء ده کشور اول افسرده جهان می‌باشد که عوامل آن نیز

به دلیل حوادث کاری معلول می‌شود. به گفته رئیس گروه سلامت هوا و تغییرات اقلیمی وزارت بهداشت، تنها طی سال ۹۴ شمسی ۱۲۸۹۷ نفر به علت آلودگی هوا جان خود را از دست داده‌اند. همچنین به گفته رئیس جمعیت مبارزه با مصرف دخانیات، سالانه ۶۰ هزار نفر بر اثر مصرف دخانیات می‌میرند. قابل ذکر است که مبدا زمانی تعیین آمار مذکور مشخص نمی‌باشد اما اگر مبدا آنرا سال ۵۷ قرار دهیم باید مدعی شد که طی این سال‌ها ۲ میلیون ۴۰۰ هزار نفر جان باخته‌اند. تنها طی سال ۲۰۱۸، سیصد کولیر در استان‌ها کوردستان و سیستان و بلوچستان از سوی نیروهای نظامی رژیم ایران مورد هدف قرار گرفته‌اند و جان باخته‌اند. همچنین معلوم شده است که طی چهار دهه اخیر، ۴۰ هزار دختر زیر ۱۵ سال تن به ازدواج داده‌اند و بیش از ۱۵ هزار نفر از آنان طلاق گرفته‌اند. بر اساس نتایج تحقیقات منتشر شده‌ای، ۱۸ درصد از ازدواج‌ها مربوط به دختران زیر ۱۸ سال است و بر همین مبنا ۱۴ هزار بیوه زیر ۱۸ سال نیز در ایران زندگی می‌کنند. در سال ۵۸، از هر ۱۰۰ هزار نفر ایرانی تنها ۲۳ نفر در زندان‌ها حضور داشته‌اند که این تعداد در سال ۹۶ به ۲۸۰ نفر افزایش یافته است. هم‌اکنون ۲۲۵ هزار زندانی در زندان‌های ایران حضور دارند.

۴۰ سال از آن روزهایی که جامعه ایران با مجموعه‌ای از تغییرات بنیادین سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو شد، می‌گذرد. تغییراتی که نه تنها به سود آزادیخواهان تمام نشد بلکه به عامل اصلی بدبختی و بیچارگی طی این ۴۰ سال، بدل شد. نیم نگاهی به کارنامه ۴۰ سال گذشته جمهوری اسلامی، که با سواستفاده گروهی از آخوندها از احساسات مذهبی مردم قدرت را قبضه کردند، بیانگر این واقعیت است که تلاش‌های رژیم ولایت فقیه برای تحمیل ایدئولوژی خود موفق نبوده و این امر سندی‌ست دال بر شکست این رژیم. برای اثبات این مدعا لازم است از آمارهای قابل اعتماد بهره برد که متأسفانه چنین چیزی در دسترس نمی‌باشد اما با این اوصاف با اتکا به آمارهای حکومتی نیز می‌توان این واقعیت سیاسی را به اثبات رساند. برپایه آخرین آمارهای موجود، جمهوری اسلامی طی چهار دهه اخیر حداقل ۲۶۳۲۵ نفر را اعدام کرده و طی جنگ ویرانگر ایران و عراق حداقل ۲۲۵۵۷۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند که ۳۶ هزار نفر از این تعداد نوجوان و کودک بوده‌اند که به جبهه‌های جنگ اعزام شده‌اند و ۵۷۴۱۰۱ نفر نیز طی این جنگ زخمی و معلول شده‌اند. تنها طی سال‌های ۸۴ تا ۹۷، ۲۷۷ هزار نفر بر اثر حوادث جاده‌ای جان خود را از دست داده‌اند و ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر نیز زخمی و معلول شده‌اند که بنابر گزارش بیمه مرکزی ایران، این کشور بعد از سیرالئون بیشترین آمار تلفات جاده‌ای را به خود اختصاص داده است. رئیس اداره سلامت نوزاد وابسته به وزارت بهداشت نیز در ۲۱ دی‌ماه سال جاری اعلام کرد: در قبال هر هزار تولد، ۸ نوزاد بدلیل فقر جان خود را از دست می‌دهند که طی یکسال به رقم بیش از ۱۰ هزار کودک می‌رسد. طی ۱۰ سال اخیر، ۱۵ هزار ۹۹۷ نفر طی حوادث کار جان خود را از دست داده‌اند، یعنی هر سال تقریباً بیش از ۲ هزار نفر. همچنین وزیر اسبق بهداشت در همین رابطه اعلام کرده بود که روزانه ۱۰۰ کارگر

ادامه در صفحه ۲

کنگره ملیت‌های ایران فدرال بیانیه‌ای منتشر کرد

رهبان احزاب عضو کنگره در صبح روز شنبه ۲۶ ژانویه ۲۰۱۹ آغاز و بعد از بررسی مسائل جاری و گفت‌وگو در خصوص رویدادهای سیاسی و اجتماعی در داخل و خارج از ایران در خصوص استراتژی مرحله کنونی کنگره و بویژه سیاست کنگره در خصوص اتحادهای سیاسی در مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی ایران به توافق همه جانبه دست یافت. جلسه فوق‌الذکر کنگره عصر همان روز با موفقیت به پایان رسید.



تصمیمات جدید احزاب و جریان‌های عضو کنگره را برای برگزاری یک جلسه فوق‌العاده در کلن آلمان فراخواند. این جلسه کنگره در عالی‌ترین سطح و با شرکت تمامی

وسیع مستعد نموده است. کنگره ملیت‌های ایران فدرال برای بررسی اوضاع سیاسی اجتماعی جاری در داخل و خارج و اتخاذ سیاست‌های منطبق با شرایط کنونی و

زنان علیه بی‌حقوقی و گسترش جنبش‌های سیاسی در مناطق مختلف ایران، کشور را تا حدود قابل توجهی با بحران‌های عدیده‌ای مواجه ساخته است. این بحران‌ها منجر به هر چه ضعیف‌تر شدن دستگاه حاکمیت در تمامیت خود شده و احیانا با فروپاشی قریب‌الوقوع در درون مواجه کند؛ بویژه اینکه فشارهای بین‌المللی در طول ماه‌های اخیر برای محدودکردن سیاست‌های مداخله‌جویانه جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه، ممانعت از صدور تروریسم و ترویج ناامنی در منطقه و جهان و کنار نهادن توافق

دبیرخانه کنگره ملیت‌های ایران فدرال در خصوص رویدادهای سیاسی و اجتماعی در داخل و خارج از ایران و همچنین استراتژی مرحله کنونی کنگره و بویژه سیاست کنگره در خصوص اتحادهای سیاسی در مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی ایران بیانیه‌ای منتشر کرد. متن این بیانیه به قرار ذیل است:

مردم مبارز احزاب و سازمان‌های سیاسی رویدادهای سیاسی و اعتراضات مردمی در صد شهر کشور، اعتراضات کارگری و سرکوب آنان، اعتراضات

دبیرخانه کنگره ملیت‌های ایران فدرال

کانون نویسندگان ایران: "اعتراف‌گیری" و نمایش تلویزیونی آن در تاریخ جمهوری اسلامی سابقه دیرینه‌ای دارد

کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرده که "اعتراف‌گیری" و نمایش تلویزیونی آن در تاریخ جمهوری اسلامی سابقه دیرینه‌ای دارد و هدفی جز مقدمه‌چینی و توجیه سرکوب‌های مدنی و ایجاد وحشت در میان مردم نمی‌تواند برای آن تصور کرد. کانون نویسندگان ایران در بیانیه‌ی منتشر شده‌ی خود نوشته است چنین برنامه‌هایی در یک معنای وسیع‌تر نمایانگر سرکوب آزادی بیان است. شنبه، بیست و نهم دی ماه، سیمای رژیم ایران اعتراف‌های اجباری اسماعیل بخشی (نماینده کارگران هفت‌تپه) علی‌نجاتی (رئیس پیشین و عضو سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه) و سپیده قلیان (فعال مدنی) را منتشر کرد. کتمان موضوع شکنجه اسماعیل بخشی و سپیده قلیان، بخشی از مستند "طراحی‌سوخته" بود. پس از پخش این ویدیو، اسماعیل بخشی و سپیده قلیان بازداشت شدند. کانون نویسندگان ایران دوشنبه یکم بهمن در واکنش به پخش اعترافات اسماعیل بخشی و سپیده قلیان از سیمای جمهوری اسلامی با انتشار بیانیه‌ای با اشاره به سابقه پخش اعترافات تلویزیونی تحت عناوینی مانند "هویت" و "چراغ" نوشته است که چنین برنامه‌هایی همواره یک قصه را تکرار می‌کنند و با هر تکرار بیشتر به ضد خود بدل می‌شوند. کانون نویسندگان ایران در این بیانیه "اعتراف‌گیری" را نمایانگر سرکوب آزادی بیان دانسته است: اعتراف‌گیری در ساده‌ترین نقش خود سرکوب آزادی بیان است. آزادی بیان فقط آزادی در "گفتن" نیست، آزادی در "نگفتن" نیز هست. اگر کسی را به هر دلیل مجبور کنند بگویند، بنویسند، به نمایش درآورد آنچه را نمی‌خواهد و نمی‌پسندد، آزادی بیانش نقض شده است. سخنی که با سلب اختیار و آزادی از انسان به زبان بیاید بی‌اعتبار و بی‌ارزش است و باید آن را در ردیف هذیان قرار داد. زیرا عامل اعتباربخش سخن، یعنی اختیار آدمی، در آن وجود ندارد. بهمن کشاورز، حقوق‌دان و رئیس اسبق کانون وکلای اعلام کرده که پخش اعترافات تلویزیونی بر اساس قوانین داخلی جمهوری اسلامی نیز غیرقانونی است.

دوره‌ی ۲۳۴ قدمتی پیشمرگه در کوهستان‌های کوردستان پایان یافت



ویژه از سوی شرکت‌کنندگان بود. در میانه‌ی مراسم نیز چندین شعر و سرود انقلابی که از سوی شرکت‌کنندگان دوره آماده شده بود، اجرا شد. لازم به ذکر است که مراسم مذکور با اجرای حرکات نظامی شرکت‌کنندگان در دوره پایان یافت.

کنندگان این دوره اجرا شد. در بخش دیگری از این مراسم، گزارش آموزشی دوره‌ی ۲۳۴ از سوی "بداغ بدایغی" و پیام دوره‌ی ۲۳۴ از سوی "لیلا دلپسند"، از شرکت‌کنندگان دوره قرائت شد. آخرین بخش از مراسم نیز شامل اهدای جوایز به شرکت‌کنندگان ممتاز دوره و اجرای چندین نمایش نظامی

شرکت‌کنندگان در دوره به وضعیت سیاسی کوردستان و ایران اشاره کرد و دلیل اصلی درنده‌خویی رژیم ایران در چند سال گذشته را فشارهای داخلی و خارجی دانست. سپس، سرودی تحت عنوان "کورد" از سروده‌های بهزاد قادری از شرکت‌کنندگان دوره‌ی ۲۳۴ قدمتی پیشمرگه، از سوی شرکت

مراسم پایان یافتن دوره‌ی ۲۳۴ قدمتی پیشمرگه در کوهستان‌های سر به فلک کشیده‌ی کوردستان برگزار شد. روز جمعه، پنجم بهمن ماه، دوره‌ی ۲۳۴ قدمتی پیشمرگه در کوهستان‌های کوردستان پایان یافت و جمعی از جوانان غیور و مبارز کوردستان به صفوف نیروی پیشمرگه‌ی کوردستان پیوستند. ابتدای این مراسم با خواندن سرود ملی "ای رقیب" و همچنین یک دقیقه سکوت به نشان ادای احترام به شهیدان کورد و کوردستان آغاز شد.

سپس "قاسم کلشی" عضو شورای سیاستگذاری حزب دمکرات کوردستان ایران سخنانی را ایراد نمود؛ وی ضمن تبریک به

پروازهای شرکت ماهان به فرودگاه‌های آلمان ممنوع شد

خود می‌افزاید: "بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اروپا ایران را به جاسوسی یا عملیات تروریستی در خاک خود متهم می‌کنند. "ماهان ایر" از سال ۲۰۱۱ به دلیل حمایت از فعالیت‌های تروریستی توسط حکومت ایران در لیست تحریم‌های دولت آمریکا قرار دارد. آمریکائی‌ها این شرکت را متهم کرده‌اند که به جای مسافر عادی سرباز و اسلحه به سوریه

پایه دولت آلمان روز دوشنبه اول بهمن اعلام کرد، به دلیل سوءاستفاده ایران از شرکت هواپیمایی "ماهان ایر" برای مقاصد نظامی، دولت آلمان مجوز پرواز این شرکت را لغو کرد. به گفته اشتفان زابیرت سخنگوی دولت آلمان تحریم ماهان با هدف تضمین امنیت آلمان و مقابله با تروریسم صورت گرفته است. ایشیگل آنلین در ادامه خبر

اشیگل آنلین در گزارشی از ممنوعیت پرواز هواپیماهای متعلق به شرکت هوایی ماهان به فرودگاه‌های آلمان خبر داد؛ یک مقام آلمانی دلیل این ممنوعیت را سوءاستفاده ایران از شرکت هواپیمایی "ماهان ایر" برای مقاصد نظامی دانست. یکی از مقامات بلند

ادامه‌ی سخن

بی‌دین‌ها نیز آزاد خواهند بود! اما همان که به قدرت رسیدند و فرهنگ متحجرانه مردم را دیدند که چگونه از آنان استقبال و حمایت می‌کنند، طمع قبضه مطلق قدرت تمام وجودشان را در بر گرفت و آن هنگام که مردم تصویر اهریمن را در ماه می‌دیدند او در آن خیال بود که ماهشان را بریاید. چهل سال است که مردم، عزای آزادی از دست رفته را می‌گیرند و رژیم نیز این فقدان را جشن می‌گیرد. اما بنا بر فرهنگ ایرانی پایان چهارم، پایان دورانی و آغاز عصر دیگری است. حال چهارم پایان یافته و مردم به مرگ این رژیم امیدوارند و رژیم نیز شیخ مرگ را به چشم خود دیده است. اما از مرگ رژیم مهم‌تر، مرگ فرهنگ متحجرانه و فاشیستی است که به کسی اجازه ندهد دگربار تصویر شخصی را در ماه ببیند.

تداوم فشار نهادهای امنیتی رژیم بر یک شاعر کورد

این شاعر کورد پیشتر نیز بیش از پانزده بار به اتهامات ضد امنیت ملی، به نهادهای امنیتی رژیم در شهرهای ملکشاهی و ایلام احضار شده و تحت بازجویی قرار گرفته است که در نهایت به دادگاه شهرستان ملکشاهی منتقل شده و به دلیل نداشتن مدرک کافی برای اتهامات این نهادها، شعبه مرکزی دادرسی انقلاب این شهر حکم آزاد شدن این شاعر کورد را صادر نمود.

تداوم فشار مامورین اطلاعات و تهدیدات نهادهای امنیتی رژیم بر خانواده "ژاکان باران" همچنان خاتمه نیافت و این اقدامات غیر انسانی نهادهای رژیم موجب آزار خانواده وی و اقدام به خودکشی مادر این شاعر کورد شد.



کشتن تهدید کردند، هر بلایی سر من بیاید ماموران وزارت اطلاعات ملکشاهی مقصر هستند و باید جوابگو باشند، در آخرین بازجویی به من گفتند می‌توانیم کاری بکنیم که پدرت تو را از خانه بیرون کند، می‌توانیم شخصیتت را خرد کنیم که الان هم دارن همین کار را می‌کنند."

این شاعر کورد در بخش دیگری از سخنانش گفته است: "برای این که من را ساکت کنند حتی به یک بچه دوازده ساله هم رحم نکرده‌اند، ماموران اطلاعات برای این که کسی را ساکت کنند حاضرند یک بچه دوازده ساله را نابود کنند یا شخصیتش را از بین ببرند، خانواده دامادم من را به

خوش ندارم، به خواهرزاده دوازده ساله‌ام هم رحم نکردند، از اطلاعات به او زنگ زدند و خواستند برود در اطلاعات جوابگو باشد چون در صفحه‌ی خود با لباس کوردی عکس منتشر کرده‌است، به او گفتند که من عکسش را منتشر کرده‌ام و گفته‌ام این بچه دوازده ساله عضو داعش یا پژاک است."

تداوم فشار نهادهای امنیتی رژیم در شهرستان ملکشاهی واقع در استان ایلام بر یک شاعر کورد، خشم این شاعر کورد را در پی داشت. تدام فشار نهادهای امنیتی رژیم بر شاعر کورد "حسین باقری" با تخلص ژاکان باران، ۳۶ ساله و اهل شهرستان روزھلات کوردستان، خشم این شاعر کورد را در پی داشت و در ویدیو کوتاهی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده است، از فشار و تهدیدات نهادهای امنیتی رژیم سخن گفته است. ژاکان باران در بخشی از سخنان خود گفته است: "به دست ماموران اطلاعات شهرستان ملکشاهی یک روز

۱۳۶ هزار کلاس درس سیستم گرمایشی استاندارد ندارند



معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان نوسازی مدارس رژیم ایران اعلام کرده که سیستم گرمایشی ۱۳۶ هزار کلاس درس در کشور از استانداردهای لازم برخوردار نیست و هر لحظه باید در انتظار رویدادی باشم. مهرداد رخشانی مهر، رئیس سازمان نوسازی مدارس رژیم ایران در گفتگویی با خبرگزاری حکومتی ایسنا گفته است: به دلیل اینکه عمده این مدارس در استان سیستان و بلوچستان و یا مناطقی قرار گرفته که فاقد گاز شهری هستند در حال حاضر امکان استانداردسازی آنها وجود ندارد. بیست و هفتم آذرماه واژگون شدن یک چراغ نفتی در کلاس دبستان و پیش دبستانی غیرانتفاعی دخترانه "اسوه حسنه" به حریق انجامید و چهار دانش آموز فوت شدند؛ پس از این حادثه قاسم احمدی، نایب رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، گفت که دو سوم مدارس کشور به مرمت و نوسازی نیاز دارند. بیشتر نیز مدیران آموزش و پرورش سندج اعلام کرده بود، ۵۲۸ کلاس درس در مدارس این استان با بخاری نفتی ناستاندارد گرم می‌شوند و ۳۰ درصد فضاهای آموزشی ناستاندارد هستند. رشید قربانی همچنین گفته بود: اکنون ۲۳۷ مدرسه در این استان وجود دارند که پرخطرند و در

کاهش فروش نفت خام ایران به چهار کشور آسیایی

رسیده بود، سایت بلومبرگ اخیراً از کاهش ۳۵ درصدی صادرات نفت ایران در ماه سپتامبر خبر داد؛ کاهش که از صادرات تنها یک میلیون و ششصد هزار بشکه در روز حکایت داشت. ایران پیش از توافق هسته‌ای با قدرت‌های جهانی در سال ۲۰۱۵ و تحت تاثیر دور اول

پیشتر کشورهای چین، هند، ژاپن و کره جنوبی بیش از ۱.۳ میلیون بشکه نفت در روز از ایران وارد می‌کردند که این میزان به نسبت سال گذشته ۲۱ درصد کاهش داشته است. در حالی که صادرات نفت ایران پیش از خروج آمریکا از برجام بالغ بر دو میلیون و پانصد هزار بشکه در روز

میزان فروش سالانه نفت خام ایران به کشورهای آسیایی به کمترین سطح خود در سه سال گذشته رسیده است. بنابر گزارش رویترز، چهار کشور آسیایی که بزرگترین خریداران نفت ایران در منطقه هستند درصد خریدهای نفتی خود را نسبت به سال‌های گذشته کاهش داده‌اند.

سازمان شفافیت بین الملل:

ایران به رتبه ۱۳۸ در میان کشورهای فاسد جهان سقوط کرد



گسترده در رژیم جمهوری اسلامی به حدی رسیده که اکثر سران نظام در مورد آن هشدار داده و به گفته آنان اکثر سازمان‌ها و وزارت خانه‌های این کشور رادر برگرفته است. یک سال پیش از آن نیز ۲۷ رتبه ایران در مقایسه با دیگر کشورها نیز طی سه سال اخیر بدتر شده است. سال پیش از این رتبه ۱۳۰ و یک سال قبل از آن نیز ۱۳۱ بوده است. فساد مالی و رانت خواری

سیستم رانت خواری و فساد اقتصادی، رژیم ایران را به رتبه ۱۳۸ کشور فساد مالی در میان ۱۸۰ کشور جهان قرارداد. بر اساس تازه‌ترین گزارش وبسایت سازمان شفافیت بین‌المللی، ایران در سال ۲۰۱۸ در میان ۱۸۰ کشور جهان، از نظر فساد مالی، گسترش و مقابله با آن، در جایگاه ۱۳۸ قرار گرفته است، این بدترین جایگاهی است که ایران طی چند سال اخیر در آن قرار گرفته است. این سازمان هر ساله گزارشی از وضعیت کشورهای جهان ارائه می‌کند که در آن شاخص‌ها از یک تا صد به کشورها تعلق می‌گیرد. شاخص صفر برای کشورهای

آمریکا شرکت هوایی را به نقض تحریم‌های ایران و تقلب در امور بانکی متهم کرد

اتهام نقض تحریم‌های آمریکا علیه رژیم ایران توسط کانادا بازداشت شد. آمریکا منگ وانجو را متهم کرده است از شرکت‌های صوری و پوششی برای روابط تجاری با رژیم ایران و در نقض تحریم‌های آمریکا استفاده کرده است. منگ وانجو این اتهامات را رد کرده است. زیر مجموعه شرکت هوایی را در ۱۰ مورد به سرقت اسرار تجاری، جعل تراکنش بانکی و کارشکنی در مسیر تحقیقات سرقت تکنولوژی شرکت آمریکایی "تی موبیل" متهم کرده است. دهم آذر ماه سال جاری، منگ وانجو، مدیر مالی و دختر بنیانگذار شرکت هوایی به درخواست آمریکا و به

برای تشدید فشار بر بزرگترین شرکت مخابراتی جهان است. وزارت دادگستری شرکت هوایی را متهم کرده است که یک بانک بین المللی و مقام‌های آمریکایی را در خصوص رابطه شرکت‌های زیر مجموعه اش یعنی "اسکای کام تک" و "هوای دیویس ایالات متحده"، با ایران فریب داده است. همچنین دو شرکت

وزارت دادگستری آمریکا شرکت چینی و مدیر مالی این شرکت را به تقلب در امور بانکی، سرقت اسرار تجاری و نقض تحریم‌های رژیم ایران متهم کرد. به گزارش رویترز، وزارت دادگستری آمریکا در ۱۳ مورد شرکت هوایی را متهم کرده است؛ اتهامات تازه آمریکا علیه شرکت هوایی

بریتانیا: عراق باید خود را از زیر نفوذ اقتصادی ایران بیرون بکشد

نزدیک ۱۸ میلیارد متر مکعب گاز همراه می‌سوزاند. برت همچنین رویارویی نظامی ایران و آمریکا در عراق یا سوریه را بعید دانست، اما گفته است که هرگونه مقابله یک اشتباه محاسباتی است. تنش‌های میان ایران و اسرائیل، متحد نزدیک آمریکا، در سوریه افزایش یافته است. اسرائیل به کرات به اهداف و پایگاه‌های ایران در سوریه حمله کرده است. درآمد‌های نفتی عراق می‌تواند برای جمع‌آوری گازهای همراه و استفاده بهینه از آن مورد بهره‌برداری قرار گیرد." بر اساس آمارهای بانک جهانی، عراق سالانه ۱۷ میلیارد متر مکعب گاز همراه را می‌سوزاند. گاز همراه، گاز است که در کنار نفت از میادین نفتی خارج می‌شود و می‌توان با سرمایه‌گذاری، آن را جمع کرد و مورد استفاده قرار داد. خود ایران نیز سالانه

نفوذ ایران خیال‌پروری است، اما مهم این است که عراق در تعیین روابط خارجی، آینده خود را دنبال کند و اقتصادی قوی داشته و متکی به ایران نباشد. عراق گاز ایران را برای استفاده در نیروگاه‌های برقی وارد می‌کند. بغداد همچنین بزرگترین مشتری برق ایران است. معاون وزیر خارجه بریتانیا گفته است: "عراق باید منابع نفتی خود را هزینه کند تا از لحاظ انرژی خودکفا باشد؛

یک مقام رسمی بریتانیا اعلام کرده که عراق باید خود را از زیر نفوذ اقتصادی رژیم ایران بیرون بکشد و از لحاظ انرژی خودکفا شود. آلیستر برت، معاون امور خاورمیانه وزیر خارجه بریتانیا، در گفت‌وگویی با خبرگزاری رویترز اعلام کرده که عراق باید به وابستگی اقتصادی و انرژی خود به ایران پایان دهد. آلیستر برت همچنین اظهار داشته است، تصور عراق بدون

افزایش ۲۰ درصدی شهریه‌ی دانشگاه‌ها در سال ۹۸

وزیر علوم رژیم ایران از احتمال افزایش ۱۰ تا ۲۰ درصدی شهریه‌های دریافتی از دانشجویان دانشگاه‌های غیر دولتی و غیرانتفاعی در سال ۹۸ خبر داد. منصور غلامی، وزیر علوم رژیم ایران در ششمین کنفرانس ملی آموزش و توسعه سرمایه انسانی در جمع خبرنگاران در خصوص میزان شهریه پرداختی دانشجویان واحدهای آموزشی غیر دولتی و غیرانتفاعی اعلام کرد: میزان شهریه‌های دریافتی از دانشجویان معمولاً با تصویب هیأت امنای صورت می‌گیرد اما در چارچوب آنچه که معمولاً اتفاق می‌افتد عمدتاً این مبلغ‌ها حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد به طور سالیانه و با توجه به تغییرات هزینه‌ها، افزایش پیدا می‌کنند. بیشتر نیز میزان افزایش شهریه دانشگاه پیام نور در سال تحصیلی جدید ۱۵ تا ۲۰ درصد اعلام شده بود. همزمان با افزایش سالانه شهریه‌های ثابت دانشگاه‌های

خشونت خانگی در ایران در حال افزایش است

می‌شود و گاهی اصلاً این تصور وجود ندارد که این رفتار درستی نیست و نباید آن را تحمل کرد. از سوی دیگر نیز، قوانین رژیم ایران به گونه‌ای است که در برخی موارد آزارهای فیزیکی اعمال شده از سوی مردان نسبت به زنان نادیده گرفته می‌شود و زنان به سبب تمکین از همسران خود ناچار به تحمل انواع آزارهای جسمی و روحی و روانی غیرقابل جبران می‌شوند. بررسی‌ها و تحقیقات آسیب شناسان مسائل اجتماعی نیز نشان داده که از هر ۲۰ زن ایرانی، یک نفر دچار آزار و اذیت فیزیکی همسرش قرار می‌گیرد که این موضوع گاهی از سوی خود زنان پنهان می‌شود یا در صورت اعتراض و شکایت، راه به جایی نمی‌برد به طوریک هم طرح است، در ایران کمتر از ۳۵ درصد از خشونت‌های خانگی به پلیس یا اورژانس اجتماعی گزارش

استان‌های لورستان، کرمانشاه و ایلام و کمترین آن در قم به ثبت رسیده است. بنابر سخنان این روانپزشک، خشونت خانگی در ایران در حال افزایش است و نیمی از خشونت‌های صورت گرفته در ایران «خشونت کلامی» است. بنابر تحقیقات به عمل آمده، در میان خشونت‌های اعمال شده در ایران، خشونت کلامی و روانی، بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است.

به گفته‌ی یک روانپزشک ایرانی ۲۳ درصد مردم ایران تجربه‌ی خشونت خانگی را دارند؛ نیمی از خشونت‌های صورت گرفت هدر ایران "خشونت کلامی" است. احمدعلی نوربالا، روانپزشک ایرانی، در همایشی در تهران اعلام کرده است: ۲۳ درصد ایرانیان تجربه خشونت خانگی دارند. وی در سخنانش به این موضوع اشاره کرد که بیشترین آمار خشونت خانگی در

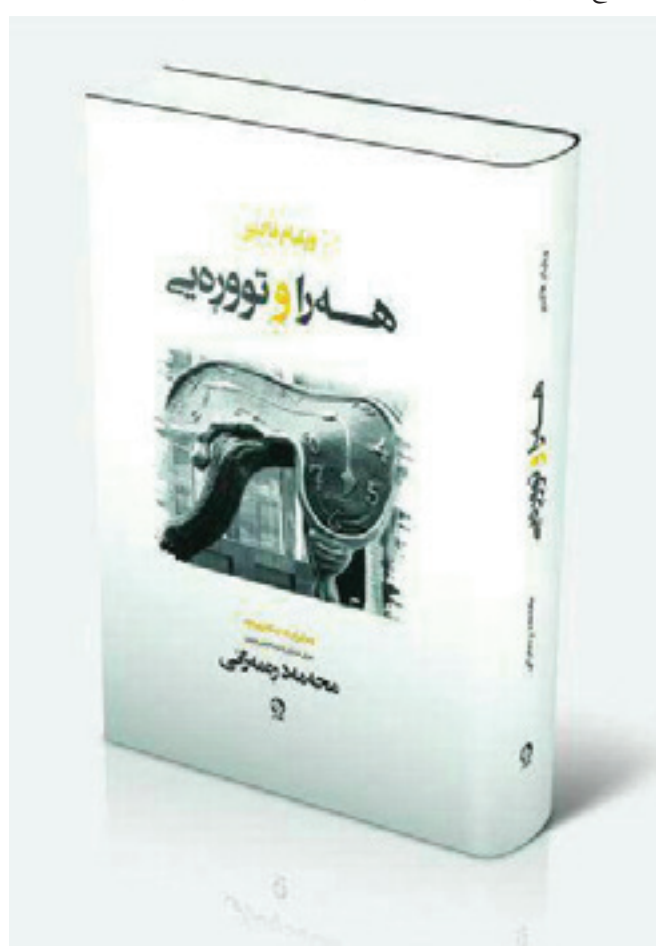
جلوه‌گری زبان کوردی در ترجمه‌ی رمان «The Sound and The Fury»

مبهم و پیچیده هم در میان ما پدید آمد، که به عمد خواننده را از خود دور می‌کرد و حتی سعی می‌کرد تا حدی سخت و دور از فهم باشد، که کسی آن را نفهمد (!) همین نوع ترجمه‌ی مغشوش و مکانیکی (از نوع ترجمه‌ی صالح حسینی) بود که متأسفانه برای ما مرجع و منبع آشنایی با داستان‌نویسی جهانی بود.

هدایتی در بخش دیگری از مقدمه‌ی خود بر این رمان، ضمن اشاره به سبک پیچیده و در عین حال اهمیت ترجمه‌ی رمان مذکور، محمد رضانی را به عنوان مترجمی کمیاب و ویژه معرفی می‌کند، که خود یکی از نویسندگان بزرگ و خلاق زبان کوردی است. ضمن این که استاد مسلم زبان انگلیسی است، زبان کوردی نیز برای او رام و آماده است، زیرا او از تبار "هزار" و "هیمن" و "فزلیجی" است. و در حقیقت به زبان آوردن این ویژگی‌ها آسان است، اما جمع شدن همه‌ی آن‌ها به صورت همزمان در یک نفر، استثنائی است که امکان آن بسیار اندک است. شاید مترجمانی داشته باشیم که بر زبان بیگانه مسلط باشند، اما چنین تسلطی بر زبان کوردی ندارند و عکس این موضوع نیز صدق می‌کند. هر دو زبان مسلط باشند، اما به دلیل این که خود نویسنده نیستند، نمی‌توانند زبان، لحن و سبک اثر اصلی را در زبان کوردی بازآفرینی کنند.

هدایتی به وضعیت امروز زبان کوردی اشاره می‌کند که به لحاظ سیاسی از طرف قدرت‌های بیگانه تکه تکه و پاره پاره شده است و به لحاظ داخلی نیز دچار بی‌نظمی گشته است. او می‌گوید، علت داخلی بی‌نظمی و پاره‌گی زبان کوردی از علت خارجی آن کم‌اهمیت‌تر نیست. این زبان در داخل به شیوه‌های گوناگون دچار آشفتگی شده است؛ هم از طرف افرادی که نه تعهد و تخصصی در زبان دارند مورد خدشه قرار گرفته است و هم از طرف نویسندگان، شاعران، روشنفکران و روزنامه‌نویسان. گروهی به بهانه‌ی این که

روشنفکر، دانشمند و فیلسوف هستند، چنان در رشته‌ی فکری خود غرق گشته‌اند که وسعت معنایی کلمات در زبان کوردی برای آن‌ها اهمیت ندارد و حتی یادگیری دستور زبان و جمله‌سازی کوردی را کاری "سنتی" تلقی می‌کنند و بر این باورند که به زبان "روستایی" نیازی ندارند! زبان کوردی تحت فشار این تفکر به ظاهر مدرن به سوی نوعی سادگی ساده‌انگارانه و سطحی‌نگری بی‌معنا سوق داده شده است و زبان در نتیجه‌ی چنین تفکری از ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات، کنایات، مجازها، نمادها و حتا طعن و ناسزا و دشنام و سخنان پندآموز و انواع جنبه‌های بیان و بدیع خالی گشته و زبانی



پاستوریزه به وجود آمده است. از طرفی دیگر، کسانی که به ظاهر نویسنده و مترجم هستند تمام عیب‌ها و نقایص خود را زیر زبانی آشفته و دور از فهم ناکجا آبادی پنهان می‌دارند و به این ترتیب زبان کوردی را دچار آشفتگی کرده‌اند. آنچه از مقدمه‌ی هدایتی بر ترجمه‌ی کوردی کتاب "The Sound and The Fury" استنباط می‌شود، لایه‌ی حساس از

زبان است که اصطلاحاً لایه‌ی تصویرگرانه‌ی زبان (Figurative language) نامیده می‌شود، و این لایه‌ی زبان لبریز از ایدیوم، عبارات، امثال، استعارات، مجازها و نمادها است. این لایه‌ی زبان از عمق زبان طبیعی سرچشمه می‌گیرد، (زبانی که ناآگاهان آن را زبان روستایی قلمداد می‌کنند و بر این تصور غلط تأکید می‌کنند که زبان روستایی توانایی بیان رویدادهای عصر مدرن را ندارد.) قابل معنا شدن به زبان‌های دیگر نیست و هرگز نباید به صورت تحت‌اللفظی به زبان دیگری انتقال داده شود. لایه‌ی از زبان که قابلیت معنا شدن در زبانی دیگر دارد، زبان کوردی.

از طرفی دیگر شورش است علیه سیاستی که توسط قدرت‌های بیگانه که با بکارگیری فرهنگ زبانی خود سعی در آشفته کردن زبان کوردی دارند و با ترغیب کوه‌فکران داخلی تصور غلطی القا می‌کنند که گویا زبان کوردی یک زبان روستایی، یا به تعبیر اشغالگران کوردستان یک زبان محلی است و یارای بازگویی یا خلق آثار بزرگ ادبی و هنری ندارد.

کسانی که چنین تصویری در سر دارند در واقع برده‌های فرهنگ زبانی بیگانه هستند و هرگز زحمت یادگیری زبان سترگ کوردی و فرهنگ غنی آن را به خود نداده‌اند، اما جلوه‌گری زبان کوردی در ترجمه‌ی "هزار و تووره‌یی" توسط استاد "محمد رضانی" خط بطلانی بر همه‌ی آن تصورات واهی کشیده است.

رضانی در مقدمه و حواشی مفصلی که خود بر ترجمه‌اش نوشته است، ضمن اینکه به شیوه‌ی خلاصه یک تفسیر هرمنوتیکی در مورد رویدادها و جنبه‌های تاریخی و اسطوره‌ای رمان در اختیار خواننده گذاشته است، در

مورد سبک، بن‌مایه، لحن و زبان‌رمان نیز توضیحات مفیدی آورده است. شاید کسانی بر این جنبه‌ی کار رضانی خرده‌گیری بکنند، اما با توجه به زمینه و زمانه‌ی زبان کوردی، یا به عبارتی واضح‌تر، با توجه به وضعیت ژئوپولیتیکی کوردستان و زبان کوردی که از هر طرف مورد هجوم بیگانگان قرار گرفته و شاید طیف وسیعی از خواننده‌گان کورد به دلیل عدم برخورداری از حق

انسانی خواندن به زبان مادری، از فهم و درک لایه‌های هنری و ادبی زبان مادری خود محروم مانده‌اند، یادآوری جنبه‌های بیان و بدیع زبان کوردی نه تنها ایراد نیست، بلکه ضرورت است و در واقع شرح هرمنوتیکی رضانی قدرت‌نمایی حواشی او به زبان کوردی در مقابل قدرت زبان اصلی رمان است. رضانی در هیچ جایی از ترجمه‌اش اقدام به معنا کردن ایدیوم‌ها، عبارات، امثال، استعارات، مجازها و نمادهای زبان انگلیسی - که زبان اصلی اثر است - نکرده و در سرتاسر اثر خود، ایدیوم‌ها، عبارات، امثال، استعارات، مجازها و نمادهای زبان کوردی را به کار گرفته است و قدرت این لایه‌ی هنری زبان کوردی را چنان ماهرانه نشان داده است که لذت هنری اثر را برای خواننده‌ی کورد دو چندان کرده است. رمان "هزار و تووره‌یی" یکی از رمان‌های بزرگ قرن بیستم است که در موردش گفته‌اند شیوه‌ی رمان‌نویسی را در سطح جهان تغییر داد. با جرأت تمام می‌توان گفت که ترجمه‌ی کوردی‌اش نیز تأثیر بزرگی بر زبان و شیوه‌ی روایت داستان و رمان کوردی خواهد گذاشت. رضانی در مقدمه‌ی خود بر ترجمه‌ی رمان نوشته است: "خواهر و برادر خواننده‌ی کورد، این مژده را به شما می‌دهم که تمام لایه‌های تاریک و دشوار این رمان را روشن نموده‌ام، تا شما از خواندن آن لذت ببرید و اگر طبع و قریحه‌ی نویسنده‌گی دارید، این کتاب یکی از آن چراغ‌های بسیار روشنی است که روشنایی آبرومندان‌ای پیش رویتان می‌گذارد."

منبع:
"هزار و تووره‌یی" ، ویلیام فاکنر؛ **ترجمه‌ی: محمدمهد رهمه‌زانی، وه‌شانگهی کوتار (سه‌فز)، چاپی یه‌که‌م ۱۳۹۵.**

را به ایران صادر کرد، که به "جنبش کاست" مشهور شد. بعدها حکومت را به دست گرفت و علیه عراق جنگی برپا کرد که پیشتر در آن کشور مهمان بود. مشزوب، متولد سال ۱۹۶۸ میلادی می‌باشد و در سال ۱۹۹۲-۱۹۹۳ میلادی دانشکده هنرهای زیبا را در بغداد به پایان رسانید و در همان رشته در سال ۱۹۹۹ فوق لیسانس و دکترا را در ۲۰۱۴ به اتمام رسانید. اثرهای به جا مانده از مشزوب عبارتند از: "جمهوریة الخان، مدن الهلاک - شاهدان، فوضی الوطن، جریمة فی الفیس بوک، ادم سامی - مور".

نویسنده عراقی که خمینی را به نقد کشیده بود، ترور شد



کوچه‌ای بود بر سر خیابانی دور و دراز، این مرد در عراق به مدت ۱۳ سال، مابین نجف و کربلا زندگی می‌کرد، بعدها

مشزوب را منتشر کردند، که در آن نوشته شده بود: "ذهنیتی مبهم در پاره‌ی کوچه‌ای که خمینی در آن ساکن بود داشت،

برای ترور او از سوی افرادی که عضو گروه‌های مسلح وابسته به رژیم ایران هستند. فعالین مذکور، چکیده‌ی نقد

یک داستان نویس عراقی به دلیل نقد از خمینی و رژیم ایران، از سوی افرادی ناشناس با سیزده گلوله ترور شد بر اساس خبر منتشر شده در وبسایت "اسکای نیوز" عربی، "علا مشزوب" داستان‌نویس عراقی، هنگام برگشت به خانه با دوچرخه مورد حمله‌ی افرادی ناشناس قرار گرفته و ترور شده است. پس از این ترور فعالین عراقی در شبکه‌های اجتماعی، نوشته‌ای از مشزوب را منتشر کردند، که حاوی نقدهایی از رژیم اسلامی ایران و خمینی می‌باشد. این فعالین مدعی شده‌اند: نوشته‌ها و مطالب و نقدهای مشزوب، دلیلی‌ست



سامال احمدی

کتاب "The Sound and The Fury" نوشته‌ی ویلیام فاکنر، نویسنده‌ی آمریکایی، یک رمان پیچیده و دشوار است و هرکسی از عهده‌ی خواندن آن بر نمی‌آید، چه برسد به ترجمه‌ی آن.

اکثریت کتاب‌خوان‌های حرفه‌ای هنگامی که شروع به خواندن این کتاب می‌کنند نمی‌توانند تا انتها رمان را بخوانند و معمولاً از دو فصل اول، که سخت‌ترین فصل‌های کتاب هستند، کتاب را رها می‌کنند. این کتاب دو ترجمه به زبان فارسی دارد، که به قلم مترجمان مشهوری چون بهمن شعله‌ور و صالح حسینی زیر عنوان "خشم و هیاهو" به انجام رسیده‌اند. سید قادر هدایتی، که خود یکی از رمان‌نویس‌های چیره‌دست امروز کورد است در مقدمه‌ی که بر ترجمه‌ی کوردی این رمان نوشته است، می‌گوید: "نسل ما، به ویژه داستان‌نویسان شرق کوردستان متأثر از این رمان و مدیون تکنیک‌های آن هستیم؛ که بیشتر ما آن را از ترجمه‌ی مغشوش و خشک و مکانیکی صالح حسینی خوانده‌ایم. به عنوان تجربه‌ی فردی، من پس از چندین بار فرار و کنار گذاشتن، تازه با اجبار توانسته‌ام فارسی آن را بخوانم. زیرا یکی از آثار اصلی و بنیادین رمان است و ممکن نبود داستان‌نویس باشیید و آن را نخوانید. و شاید دلیل این که نوعی داستان گنگ و

نگاهی به پدیده سلطان‌ها در اقتصاد ایران

مطلوبیت و نامطلوبیت آن‌ها بر پایه عملکرد آن‌ها در اقتصاد نیست، بلکه بر پایه نیاز ساختار توتالیتر است که یک عنصر نامطلوب تشخیص داده می‌شود و دیگری مطلوب یا خادم معرفی می‌شود.

برای تبیین بیشتر باید گفت: یک سیستم توتالیتر در راستای ماندگاری در قدرت از افراد متعددی به خود حمایت می‌کند و آن‌ها را به افراد کلیدی در عرصه‌های مختلف اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره تبدیل می‌نماید. این رفتار سیستم توتالیتر جامعه و به طبع آن خود سیستم را با چالش "کارکرد مفید" روبرو می‌کند و آن را به طرف بن بست و پرتگاه عدم مشروعیت می‌کشد و ناچاراً سیستم برای خروج از بن بست به جای اینکه ساختار خود را که عامل اصلی بن بست است عوض کند، عملکرد افراد متعددی به خود را عامل این بن بست تلقی می‌کند و به همین دلیل ساختارهای توتالیتر عوامل خود را قربانی نگهداری ساختار می‌کند.

در این مرحله فرد مورد حمایت از نگاه سیستم توتالیتر از یک "فرد متعهد" به یک "فرد متمم" تنازل می‌یابد. در واقع دوگانه تعهد-اتهام، چرخه‌ای است که در آن یک فرد به دلیل نیاز سیستم توتالیتر اول به مقام "مورد حمایت قرار گرفتن" سیستم ارتقا می‌یابد و سپس به دلیل نیاز سیستم از این مقام خلع می‌شود و به سطح "خائن به سیستم" تنزل می‌یابد و مورد غضب همان سیستم قرار می‌گیرد.

در هر دو حالت هیچ قانونی وجود ندارد و تنها نیاز سیستم است که یک فرد را به "سلطان" تبدیل می‌کند و همان هم فرد را به عنوان "اختلالگر" به چوبه‌دار می‌سپارد. نکته پایانی حائز اهمیت این است که اعدام و دستگیری پشت سر هم افراد فعال اقتصادی که آن‌ها را در رسانه‌ها "سلطان" می‌خوانند، یکی از مهم‌ترین نشانه‌های بن‌بست اقتصادی در ایران است.

این افراد عامل اصلی این بن‌بست اقتصادی نیستند؛ بلکه آن‌ها در مقطعی عامل و در زمانی قربانی سیستمی توتالیتر دینی موجود در ایران هستند که وضعیت کنونی را سبب شده است. عامل اصلی بن‌بست کنونی اقتصادی، سیستم توتالیتر دینی و نگاه این سیستم به نظام اقتصادی است.

باقی‌ست و برای ماندگاری این عناصر را بوجود می‌آورد و هم حذف می‌کند. پس عناصر نامطلوب هم

دیگر رانت‌گیرنده‌ها هستند در واقع فراتر از پدیده است. شکل‌گیری اقتصاد سلطانی به نگاه دینی به اقتصاد برمی‌گردد و حاصل یک سیستم توتالیتر مذهبی است. شاید بگویید، در عمل آنچنان که می‌بینیم، تعدادی از سلطان‌ها که در واقع گیرندگان حمایت دولت (رانت) بوده‌اند، گاهی اوقات مورد بازخواست



و غضب سیستم سیاسی-قانونی قرار می‌گیرند. اینکه تعدادی از گیرندگان رانت به احکام قضایی محکوم می‌شوند چیزی از این مسئله کم نمی‌کند که در واقع ساختار سیاسی و قانونی به عنوان عینیت اجراء کننده قوانین دینی، خود عامل اصلی در

در این هنگام حاکمیت سیاسی و ساختار قانونی موظف هستند که در نقش حامی برای این فرد ظاهر شوند. به عبارت دیگر حاکمیت سیاسی و ساختار حقوقی حق نظارت بر افراد متعهد به نهاد دینی را ندارد، آن‌ها تنها می‌توانند حامی این فرد باشد چون آن‌ها حافظ و نگهدارنده دین هستند، به زبان

سیاسی می‌توان گفت اصول بین حاکمیت سیاسی و فعالین اقتصادی اگر از ضابطه‌ای هم پیروی کند این ضابطه قوانین اقتصادی نیستند بلکه مینا، عرف دینی می‌باشد. پس در اینجا "رانت دهی" از یک امر سیاسی و غیرقانونی به یک وظیفه دینی تبدیل می‌شود.

اعراب ندارند و جای خود را به تعهد به سیستم دینی و اخلاق عرفی می‌دهند. برای تبیین بیشتر باید گفت، در سیستم اقتصاد خیریه‌ای یک مدیر خوب مدیری است که پایبند اصول اخلاق دینی است نه یک مدیری که توانایی در اجراء اصول مدیریتی دارد و این اصل برای دیگر کاراکترهای موجود در اقتصاد

نیز صدق می‌کند. براساس این تبیین، نگاهی به پدیده سلطان‌ها در اقتصاد ایران می‌اندازیم. پدیده سلطان‌ها در واقع اسمرمز فساد اقتصادی قانونی و نهادینه شده در ایران است. فساد که خود سیستم حاکمیت بر اساس نیاز و هدف خود آن را نهادینه

در قالب یک قدرت متمرکز طراحی شده است و بر این اساس، قدرت در ساختار جمهوری اسلامی یک قدرت متمرکز است که مشروعیت خود را از دین اسلام می‌گیرد و برای تحقق این قدرت متمرکز اصل ۵۷ قانون اساسی در نظر گرفته شده است که چنین است: "قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند."

بر اساس متن قانون اساسی، در حکومت جمهوری اسلامی تمرکز قدرت در دست یک فرد (ولی فقیه) می‌باشد و اقتصاد هم باید در راستای رسیدن به هدف نهایی یا همان رفتن به بهشت باشد. به عبارت دیگر کل نظام اقتصادی اعم از بخش خصوصی و دولتی در راستای اهداف دینی و در دست یک مرجع دینی قرار دارد حالا اگر این اقتصاد بخش خصوصی داشته باشد بدین معنی است که این بخش در واقع قسمتی از همان قدرت متمرکز است.

در واقع بخش خصوصی همان حاکمیت دینی ولایت فقیه است اما در عرصه اقتصاد فعالیت دارد.

در چنین سیستمی بخشی از اقتصاد از یک امر زمینی که تابع قانون هزینه‌فایده است،

حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی همگیش و همفکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید

به یک "اقتصاد خیریه‌ای" که هدف آن "بردن انسان به بهشت است" تبدیل می‌شود. در واقع اقتصاد از یک امر زمینی و این دنیایی به بخشی از عبادات دینداران تبدیل می‌گردد و در ردیف اوامر فرازمینی قرار می‌گیرد.

شکل‌گیری اقتصاد سلطانی هستند. به تعبیر دیگر با اعدام چند فرد به عنوان "سلطان" در فلان زمینه اقتصادی در بهترین حالت تنها چند عنصر نامطلوب حذف می‌شود و ساختاری که تولید کننده این عناصر نامطلوب است در قدرت خود

آنچه نمایان است که ما با سیستمی روبرو می‌شویم که رانت در آن نه تنها "حق" قشر خاصی از جامعه است بلکه این رانت یک امر غیرقانونی و حتی غیرطبیعی محسوب نمی‌گردد و به هیچ وجه رانت‌دهی به نهاد دینی و افراد متدین به

کرده است پس این فساد یک فساد پنهان هم نیست بلکه بخشی از ساختار حکومتی است. یک فعال در عرصه اقتصاد ایران برای اینکه به سلطان (در اینجا منظور فرد کلیدی است) در یکی از عرصه‌های اقتصادی



عنوان امری اخلاک‌گر در اقتصاد تلقی نمی‌گردد. پس پدیده سلطان‌ها که همان افراد گیرنده حمایت دولتی یا به تعبیر

تبدیل شود تنها لازم است، تعهد خود به نهادهای دینی و پایبندی به اصول اخلاق دینی را به نهاد قدرت نشان دهد.

اصولاً در اقتصاد خیریه‌ای اصل‌هایی همچون رقابت، قانون، تخصص، رسانه‌ی آزاد و مسئولیت‌پذیری محلی از

را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید" تحقق این "هدف نهایی" در ساختار حکومت اسلامی



آگری اسماعیل نژاد

این روزها را باید عصر اعدام سلطان‌ها در اقتصاد ایران نامید. اما چرا اقتصاد ایران به طرف "سیستم اقتصاد سلطانی" رفت؟!

آغاز خصوصی‌سازی در ایران و اجراء قانون اصل ۴۴ یک پدیده مختص به یک رژیم توتالیتر اسلامی بود، که باید آن را خصوصی‌سازی ولایت فقیه نامید. اینکه خصوصی سازی در ایران پس از انقلاب ۵۷ را خصوصی سازی ولایت‌مدارانه نامیدم به این دلیل است که یک ایده از اقتصاد لیبرالیستی گرفته شده و بر اساس نوع مشخص از اسلام به اقتصاد و همچنین نیازهای یک حکومت اسلامی این ایده در ایران اجراء شده است.

در این نوع خصوصی‌سازی، بخش خصوصی خود بخشی از قدرت سیاسی و مدیریتی کشور است که توانایی تصویب، اجراء قانون و نظارت بر قانون در راستای منافع خود را دارد. چون در نظام حکومت اسلامی موجود در ایران و طبق متن موجود در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی" در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی متمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارآیی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت."

براساس این نگاه اقتصاد یک "وسیله است که جامعه را به طرف هدف نهایی" می‌برد و هدف نهایی نیز در مقدمه قانون اساسی ایران چنین تعیین شده است: "حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی همگیش و همفکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید"

بحران ونزوئلا و ایران

برای روسیه، ایران و همچنین کوبا در این منطقه شده است. کوبا دارای بیست هزار نیروی عملیاتی امنیتی در ونزوئلا می‌باشد. کوبا فعالیت‌های خود در منطقه را از طریق این نیروها و با استفاده از پایگاه ونزوئلا به انجام می‌رساند. این افراد همچنین نقش وسیعی در پشتیبانی از نیروهای امنیتی ونزوئلا و دولت مادورو ایفا می‌کنند. با توجه به خبر منتشر شده در مورد امکان خارج کردن بالغ بر یک سوم ذخایر طلای دولت ونزوئلا توسط یک هواپیمای روسی، این نیروهای کوبایی نقش اساسی در انجام چنین عملیات‌هایی برای دولت مادورو دارند.

این نیروهای امنیتی کوبا یکی از مسائل امنیت ملی آمریکا به شمار می‌رود چرا که کوبا از این تلاش‌ها برای ایجاد اختلال در روندهای دموکراتیک در منطقه و همچنین تقویت قاچاق مواد مخدر به آمریکا استفاده می‌کند. اما یک دلیل مهم‌تر که ونزوئلا به لحاظ استراتژیک دارای اهمیت حیاتی برای

روسیه همواره به منابه یک پایگاه نظامی در نیمکره غربی به ونزوئلا نگریسته است. بنابر گزارش‌های منتشر شده به نظر می‌رسد که ونزوئلا و روسیه اخیراً بر سر استفادهی روسیه از جزیره لاورکیلا به عنوان یک پایگاه هوایی

نگاه پوتین و طرفدارانش روسیه تنها زمانی می‌تواند شان و منزلت واقعی خود را بازباید که بتواند با گسترش قدرت خود در اروپای شرقی، غرب را زیر شمشیر داموکلس خود نگه دارد. اهمیت دیگر ونزوئلا در معادلات بین‌المللی

آمریکا به دست خواهد داد یا نه؟

باید گفت که میان رفتارهای بین‌المللی ایران و ونزوئلا و همچنین برخی شرایط داخلی موجود در این دو کشور، شباهت و تفاوت‌های عمده‌ای یافت. اول اینکه هردوی این کشورها سیاست خارجی خود را مبتنی بر دخالت در امور همسایگان خود و هژمونی طلبی در منطقه بنیاد نهاده‌اند.

رفتار ایران در منطقه خاورمیانه تقریباً برای ناظران کمابیش مشخص است. از سوی دیگر مداخلات مدورو در منطقه آمریکای لاتین باعث اختلالات جدی و گاه‌گاه قدرت گرفتن راستگراها در واکنش به ونزوئلا شده است. همچنین نمونه‌هایی همچون دشمنی با آمریکا و وجود بحران اقتصادی داخلی و عدم کفایت لازم در برخورد با آن،

از دست رفتن ارزش پول و اعتراضات گسترده‌ی خیابانی از نمونه‌های دیگر تشابه است. اما آنچه که این دو کشور را از هم تفکیک می‌نماید این است که اپوزیسیون داخلی ونزوئلا بر سر مطالبات دموکراسی خواهانه حاضر به تنازل در مقابل دیکتاتور نیستند این در حالی است که در ایران جریان‌ات

اصلاح طلب به هیچ وجه به شعارهای خود وفادار نبوده و در راستای آشتی با دیکتاتور قدم برداشتند. از سویی باید متذکر شد که این نیروهای اصلاح طلب تاکنون خلاف سخنان و دیدگاه‌ها دیکتاتور هیچ عملکردی نداشته‌اند. از سوی دیگر اپوزیسیون خارج از کشور ایران نیز به شدت متفرق و پراکنده‌اند و تنها به حضور و جدال‌های داخلی در خارج از کشور بسنده کرده و هیچ قدمی در راستای یک کنش واقعی بر نمی‌دارد. بر همین اساس به نظر می‌رسد که مدل کنونی ونزوئلا دارای امکان پیاده شدن در ایران نیست. آنچه در ایران می‌تواند به تغییر مشابه منجر شود، دست به دست هم دادن جنبش‌های مختلف گروه‌های ملی، مذهبی و جنسی به حاشیه رانده شده است که بتواند حاکمیت و سیستم کنونی را دچار فروپاشی از درون نماید.



کنگره بر سر چگونگی برخورد با آن‌ها، دولت فدرال آمریکا برای مدت بالغ بر یک ماه به تعطیلی کشیده شد. دیواری که ترامپ از آن بحث می‌کند در

به مساله نفت و انرژی بازمی‌گردد. ونزوئلا می‌تواند با تاثیر بر روی قیمت نفت این امکان را برای هر دو کشور ایران و روسیه فراهم

به توافق‌هایی دست یافته‌اند. استفادهی روسیه از این پایگاه می‌تواند به دسترسی هواپیماهای روسیه با سلاح‌های هسته‌ای در کل کارائیب و

آنچه در ایران می‌تواند به تغییری مشابه منجر شود، دست به دست هم دادن جنبش‌های مختلف گروه‌های ملی، مذهبی و جنسی به حاشیه رانده شده است که بتواند حاکمیت و سیستم کنونی را دچار فروپاشی از درون نماید

جهت رویارویی با این تهدیدها است. دولت ونزوئلا و بحران اقتصادی آن باعث شده که مردم ونزوئلا به صورت بی‌سابقه‌ای به کشورهای همسایه مهاجرت کنند. دولت این کشور اما نه تنها هیچ اقدام عملی در راستای حل این مساله انجام نمی‌دهد بلکه از قبول کمک‌های خارجی برای مواجهه با این وضعیت سر باز می‌زند. مجموعه این عوامل باعث شده‌اند که ونزوئلا دارای اهمیتی استراتژیک برای ایالات متحده باشد و برکناری رژیم مادورو به یکی از پیش شرط‌های برنامه‌های مورد نظر اداره‌ی فعلی آمریکا تبدیل شود. به عنوان مثال مواجهه با روسیه در اروپای شرقی و یا استراتژی فشار حداکثری بر ایران هر دو با کنار رفتن رژیم مادورو به صورت بهتری به اجرا در خواهند آمد. اما این مساله چه عواقبی می‌تواند برای ایران داشته باشد و آیا مدلی برای نوع برخورد با ایران از سوی

نماید که از فروش حداقلی نفت خود بیشترین استفاده را داشته باشند. در وضعیت کنونی روسیه و ایران می‌تواند از نواسانات در قیمت نفت به عنوان یک اسلحه جدی علیه آمریکا و غرب استفاده نمایند

همچنین ایالات متحده کمک نماید. این وضعیت یک اهرم فشار مناسبی به روسیه خواهد داد که از این طریق بتواند به بازگشت نفوذ گذشته خود به منطقه‌ی شرق اروپا و مناطق تحت سلطه شوروی

نظم کنونی بین‌المللی و ایالات متحده است به این واقعیت بر می‌گردد که ونزوئلا عملاً به نقطه‌ای تبدیل شده که روسیه می‌تواند با گسترش حضور نظامی خود در این کشور از آن به عنوان یک اهرم فشار بر



و ونزوئلا در این زمینه نقش بسیار زیادی در یاری رساندن به این سیاست ایران و روسیه بازی می‌کند. مسائل دیگری

سابق کمک نماید. روسیه و علی‌الخصوص ولادیمیر پوتین این منطقه را جزئی از منطقه نفوذ سنتی خود می‌دانند. از

آمریکا جهت چشم‌پوشی برای گسترش نفوذ خود در اروپای شرقی و مناطق تحت سلطه شوروی سابق استفاده نماید.

جامعه اطلاعاتی آمریکا: انتظار می‌رود که ناآرامی‌ها در ایران افزایش یابند

حزب‌الله لبنان ادامه می‌دهد و همین منجر به حملات هوایی اسرائیل بر رژیم ایران شده است. اینگونه اقدامات رژیم ایران نگرانی‌های ما را از مسیری که رژیم در پیش گرفته افزایش می‌دهد، مسیری که شامل خطر درگیری و بسط نفوذ ایران در منطقه می‌باشد.

حال توطئه چینی بودند. انتظار می‌رود ایران به حمایت از حوثی‌ها در یمن و شبه‌نظامیان شیعه در عراق ادامه دهد، در حالی که توان نظامی داخلی خود ایران تهدیدی برای آمریکا و متحدان ما در منطقه است". در ادامه این گزارش آمده است: رژیم ایران همچنین به تقویت استقرار نظامی خود در سوریه و ارائه سلاح به

نیز، تدریجاً در به چالش کشیدن رقبای میانه‌روی خود گستاخانه‌تر عمل می‌کنند که به همین دلایل انتظار می‌رود در ماه‌های آینده ناآرامی‌ها در ایران افزایش یابند. دن کوتس، در بخشی از گزارش اعلام کرد: "تهران به تامین مالی اقدامات تروریستی ادامه می‌دهد، نمونه آن دستگیری شماری از اتباع ایرانی است که در اروپا در

اطلاعاتی آمریکا، گزارش سالانه جامعه اطلاعاتی این کشور را به سناتورهای هردو حزب اصلی ایالات متحده آمریکا اعلام کرد. در بخشی از گزارش آمده است: در حالی که اقتصاد ایران روز به روز ضعیف‌تر می‌شود، رژیم ایران با بهبود توان نظامی خود به جاه طلبی‌های منطقه‌ای خود ادامه می‌دهد، همچنین در داخل ایران

کشور اصلی تهدیدکننده منافع آمریکا و متحدان واشنگتن محسوب می‌شود، همچنین در این گزارش آمده است که انتظار می‌رود در ماه‌های آینده در ایران ناآرامی‌ها افزایش یابند. روز سه‌شنبه نهم بهمن‌ماه، دن کوتس، رئیس نهاد اطلاعات ملی آمریکا، در سنای ایالات متحده با حضور مسئولین نهادها و سازمان‌های جامعه



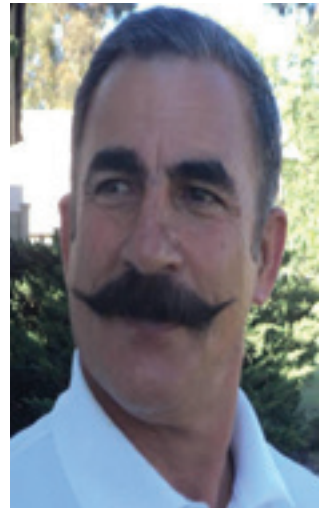
آرش صالح

ونزوئلا نه اولین و نه آخرین دیکتاتوری روی زمین است که با بحران مواجه می‌شود. همچنین این کشور تنها کشور روی کره خاکی نیست که رویکردی ضدآمریکایی در پیش گرفته باشد. اما مواضع ایالات متحده آمریکا در قبال بحران ونزوئلا و تلاش این کشور جهت هدایت جهان به سوی موضع‌گیری در خصوص مسائل داخلی ونزوئلا کاملاً غیر طبیعی بوده و از خطوط کلی سیاست آمریکا در این زمینه پیروی نمی‌کنند. از سوی دیگر اما وضعیت ونزوئلا می‌تواند تاثیر مستقیم بر وضع ایران داشته باشد و حتی برخی تا آنجا پیش می‌روند که از بحران موجود در ونزوئلا مسیری را برای آینده ایران نیز استنتاج می‌کنند.

در این نوشته ابتدا با اشاره مختصری به سوییجهای بین‌المللی بحران ونزوئلا سعی خواهیم کرد که با اشاره به برخی شباهت‌ها و وجوه افتراق دلالت‌های این بحران را برای آینده ایران بررسی نماییم. مهم‌ترین بعد بحران ونزوئلا به تقابل منافع و علائق روسیه و آمریکا در آمریکای لاتین برمی‌گردد. برای ایالات متحده آمریکا خیزی چنین آشکار برای سرنگون کردن رژیم مادورو می‌تواند نشان دهنده‌ی یک مساله استراتژیک بسیار مهم باشد. این اهمیت استراتژیک از آنجا ناشی می‌شود که رژیم ونزوئلا از یک سو به صورت آشکارا مشغول مداخله در امور همسایگان خود می‌باشد و از سوی دیگر تبدیل به یک پایگاه مهم

جامعه اطلاعاتی آمریکا در گزارش سالانه خود اعلام کرد که انتظار می‌رود که در ماه‌های آینده در ایران ناآرامی‌ها افزایش یابند. جامعه اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا که تشکیلی از شانزده نهاد امنیتی و دستگاه و سازمان اطلاعاتی این کشور است، در گزارش سالانه خود به کنگره آمریکا اعلام کرد، رژیم ایران یکی از چهار

"گوران"، آئینه‌ی تمام‌نمای تاریخ زبانی ملت کورد



اردلان بهروزی

که به لحاظ فاصله‌ی تاریخی کم از دودمان مادها به ارت رسیده است و این خود قابل پژوهش و به عبارتی دیگر باز کردن یک بررسی کلی را می‌طلبد که از حوصله‌ی این نوشتار خارج است! اما نکاتی در لابلای این نظریات نهفته است که لازم به واگرایی و شکافتن آن است. در این راستا چنانچه نگاه کوتاهی به سرزمین و پایگاه حکومتی و مردمی مادها و آیین زرتشت بیندازیم به روشنی و با داشتن بقایای آثار زبانی و آیینی متوجه می‌شویم که پایگاه‌ها و پایتخت‌های مادها و آیین زرتشت و پیروانش بیشتر در حوالی دیار کهن کرمانشان (قرمسین) رخ داده و به گونه‌ای خاص استقرار و ترویج یافته‌اند. به همین مضمون بسیار منطقی و علمی به نظر می‌آید که نزدیک‌ترین

امپراتورهای اسلامی صفویه و عثمانی این گویش بنیادی زبان کوردها تحت فشارهای ملی و آیینی هر کدام از این حکومت‌های مذهبی واقع شدند و در نتیجه محصول این اقتدار طلبی‌های مذهبی منجر به پراکندگی، تغییرات گفتاری، محدودیت جغرافیایی و تبعید گویشوران آن به نقاط خارج از سرزمین کردستان شده است و امروزه نام آن گوران قدیم تحت فشار و سیاست‌های مضاعف و تاریخی در فاصله‌ی قرن‌های سپری شده بیشتر در تعریف‌های نامتعارف، میراث خود را بر سر زبان و نوشتارها نمایان و جایگزین کرده است؟! به همین منظور از نگاه وراثت زبانی و جغرافیایی در طول قرن‌ها، بر اساس اسناد و مدارک موجود بخش عظیمی از سرزمین کردستان را تحت پوشش خود داشته است و

کثرت جمعیتی و زبانی خود، بنابر سیاست‌های دوگانگی مذهبی که در امتداد زمانه تغییر و تحولات ریزشی را در صورت واقعی آن ایجاد کرده است امروزه از لحاظ گفتاری گویش‌های ایلات و طوایف گوران کنونی، کلهور، لک، گروسی، ایلامی، بیجاری و... از خود بر جای گذاشته است. اگر چه گویش‌ها و زیر مجموعه‌های نامبرده را می‌توان در سرزمین سخنوران گوران قدیم و جنوب کردستان فعلی دسته‌بندی کرد، اما در حقیقت بایست یادآور شد که تمامی آن‌ها اگر چه با تضادهای ناچیز گفتاری مابین خود همراه هستند ولی در همان وضعیت تشابه بیان و فنوتیکی آن‌ها تا درجه‌ای به هم پیوسته و ناگسستگی است که بدون تکیه به هیچ شک و گمانی قابلیت آن را داشته‌اند

است؟! بنابراین از گوشه نگاه زبان‌شناسی هم در این مناطق شایسته نیست که لهجه و گویش‌های کوردی اکثریت مردمان استان کرمانشان، ایلام، کوردهای همدان، بیجار و قروه را که در یک حوضه‌ی زبانی قرار دارند به عمد و یا ناآگاهانه تحت لوای یک لهجه‌ی ایلی از آن‌ها یاد کرد. البته قابل ذکر است کسانی در این حوضه‌ی میدانی به اصطلاح پژوهشگر و زبان‌شناس حضور دارند که در مسیر موضوعات مذکور، پایه‌ی تقسیمات زبانی را در مناطق نامبرده بر اساس شیوه‌ی نظرات و نوشته‌های کسانی چون "شرفخان بدلیسی" ارائه و به گفتمان در می‌آورند. شرفخان بدلیسی صرفنظر از اینکه میر شهر بدلیس ترکیه بوده است، اما بر اساس اختلافات با سیستم حاکم وقت عثمانی به دولت

بایست پرسید چه معجزه‌ای باعث شده است که امروزه گویشوران این دو لهجه در تمامیت خود از یک زبان و فرهنگ برخوردار باشند؟ و یا تفاوت برجسته‌ای که بتواند در بین آن‌ها دیواری برلین گونه در بین آن‌ها مستقر سازد امروزه نشانی از آن نیست!

چتر زبانی که قرن‌ها پیش بر بالای سر لهجه یا گویش‌های بنیادی کنونی کرمانشان (لکی، گورانی و کلهوری) صرفنظر از گویش جافی همانا لهجه‌ی کوردی گوران قدیم (هورامی امروزی) نام داشته است، اما بنابر زودبندهای سیاسی-مذهبی حکومتین عثمانی-صفویه‌ی وقت دچار پراکندگی، مهاجرت، تغییر آیین و زبان گردیده‌اند و زودن این ضایعات ناخواسته خود نیاز به کسانی دلسوز، آگاه و روشنفکر مسئولیت‌پذیر دارد و در لب کلام بایستی بر این واقعیت موجود تکیه کرد که امروزه لهجه‌ی کوردی کرمانشانی که در مرکز این شهر شکل گرفته است شاخه‌ای اساسی از تمامی گویش و زیر مجموعه‌های گفتاری ایلات و عشایر و حتا طوایف مهاجری هستند که در استان کرمانشان و ایلام، همدان، بیجار، قروه و... ساکن هستند و این لهجه‌ی کوردی در شهر کرمانشان اگر چه یک لهجه‌ی سوهان خورده است! اما قابلیت آن را دارد که به مثابه‌ی ی معیار نمایی از حوضه‌ی زبانی جنوب کردستان ایران و به نام کوردی کرمانشانی به کار برده شود.

شایسته نیست که لهجه و گویش‌های کوردی اکثریت مردمان استان کرمانشان، ایلام، کوردهای همدان، بیجار و قروه را که در یک حوضه‌ی زبانی قرار دارند به عمد و یا ناآگاهانه تحت لوای یک لهجه‌ی ایلی از آن‌ها یاد کرد

لهجه‌ای که بتواند ویژگی‌های دو بعدی آن‌ها را ترسیم و به میراث تاریخی-زبانی ملت کورد اضافه کند، همان لهجه‌ی "گوران" قدیم است که از هزاران سال تاکنون زبان ادب، فرهنگ، حماسه سرایی و حتا آیینی ملت کورد بوده است و به عبارتی مرز جغرافیایی آن از لورستان تا مریوان کنونی را تحت پوشش خود قرار داده است، اما در این راستا به درازای تاریخ در زمان

اکنون در حوضه‌ی زبانی می‌توان بقای این رگ حیاتی از زبان کوردی را به روشنی در مناطق هورامان سندج و کرمانشان و... مشاهده کرد، اگر چه سر برآوردن اصطلاحی تحت عنوان (گویش هورامی) در میان ادبیات کوردی متعلق به دوران معاصر است و پیشینه‌ی آن در واقع همان نام گوران قدیم به شمار می‌آید. از سخنی دیگر گوران بزرگ و قدیم در معنای بافت

که در یک قالب و تحت یک عنوان از آن‌ها نامبرده شود، اما شوربختانه رژیم مذهبی کنونی ایران به هدف به هم زدن اتحاد مردمان کورد در حومه‌ی فوق به منظور پیشبرد سیاست‌های پلید خود از ابزار زبان هم دریغ نکرده است و هر از گاهی با برجسته کردن لهجه‌ای به اصطلاح اصیل و معیار، تخم نفاق را آبیاری کرده و در این وادی تعدادی از روشنفکرانها را با سیاستخود همراه کرده

مذهبی صفویه پنهانده می‌شود و تمامی نوشته و اعمالش از زیر فیلتر سیاسی- مذهبی حکومت صفویه عبور کرده است و تقسیمات زبانی ایشان از نقایض قابل توجهی برخوردار است؟! اگر چه اکنون بعد از گذشت چند قرن دریافت کرده‌ایم که آوردن نام گوران و کلهور از نگاه زبانی خود دارای ابهاماتی است که با واقعیات امروزی سازگار نیست و به همین مناسبت

شروع دور تازه تحریم‌های آمریکا علیه گروه‌های نیابتی رژیم ایران

مقاله‌ای از بنیاد دفاع از دموکراسی

ترجمه از انگلیسی: آرمان حسینی



دولت ترامپ روز پنج شنبه اولین اقدام مهم خود علیه دوگروه شبه نظامی شیعه غیرعرب مورد حمایت رژیم ایران در سوریه را عملی ساخت، با دو دستورالعمل اجرایی مختلف یکی مربوط به حقوق بشر و دیگری مربوط به تروریسم است.

هر دو گروه، فاطمیون و زینبیون از سوی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رژیم ایران حمایت می‌شوند. نیرو قدس سپاه بیش از یک دهه پیش تحریم شده بود و با شاخه‌های خود همچنان در خاورمیانه در حال فعالیت‌های مخربانه تروریستی می‌باشد.

چرا این مساله مهم است؟ کنگره ایالات متحده پیشتر و در دولت‌های قبلی چندین بار تلاش کرده بود تا دولت را با توجه به اسناد موجود از روابط گروه‌های مورد حمایت ایران در سوریه با سپاه پاسداران، به منظور شناسایی و افزودن شبه نظامیان تحت حمایت ایران به لیست ترور، چه در عراق و چه در سوریه، به قناعت برساند اما در این حوزه موفق نبوده و نتوانسته بود نظر مثبت دولت را جلب کند. اما دولت ترامپ به صورت داوطلبانه،

آسیا، به اهداف ایدئولوژیک و استراتژیک خود در سوریه و نیز تکمیل هلال شیعه دست یابد.

اگرچه رژیم ایران به طور سنتی به شیعیان عرب برای استفاده در حملات تروریستی و یا فروپاشی دولت‌ها متکی بوده اما گروه‌های تروریستی فاطمیون و زینبیون اهداف متفاوت دیگری را دنبال می‌کنند که به تکمیل توطئه‌های جمهوری اسلامی در منطقه کمک شایانی می‌کند و آن هم دفاع همه جانبه از دولت سوریه است.

واشنگتن همچنان به تحریم‌ها و فشار اقتصادی به عنوان ابزار اصلی اعمال سیاست‌اش علیه رژیم تهران اتکا کرده است که بعضی از اعضای دولت آنرا "حداکثر فشار" نامیده‌اند.

اما با توجه به اینکه شمار زیادی از شبه نظامیان شیعه مورد حمایت ایران در عراق هنوز مورد هدف تحریم‌ها قرار نگرفته‌اند، باید اذعان کرد که این اقدام نیز حاکی از آن است که حداقل در شرایط فعلی "اعمال فشار" علیه شبه نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی ایران محدود است.

شبه نظامی تمام افغانی هستند که عمدتاً از جمعیت پناهندگان افغانی تشکیل شده است که از گروه‌های انتتیکتی هزاره و تاجیک تشکیل شده اما زینبیون گروهی از شبه نظامیان پاکستانی هستند که از خارج و داخل کشور ایران استخدام می‌شوند و هر دو گروه شبه نظامی به طور رسمی از

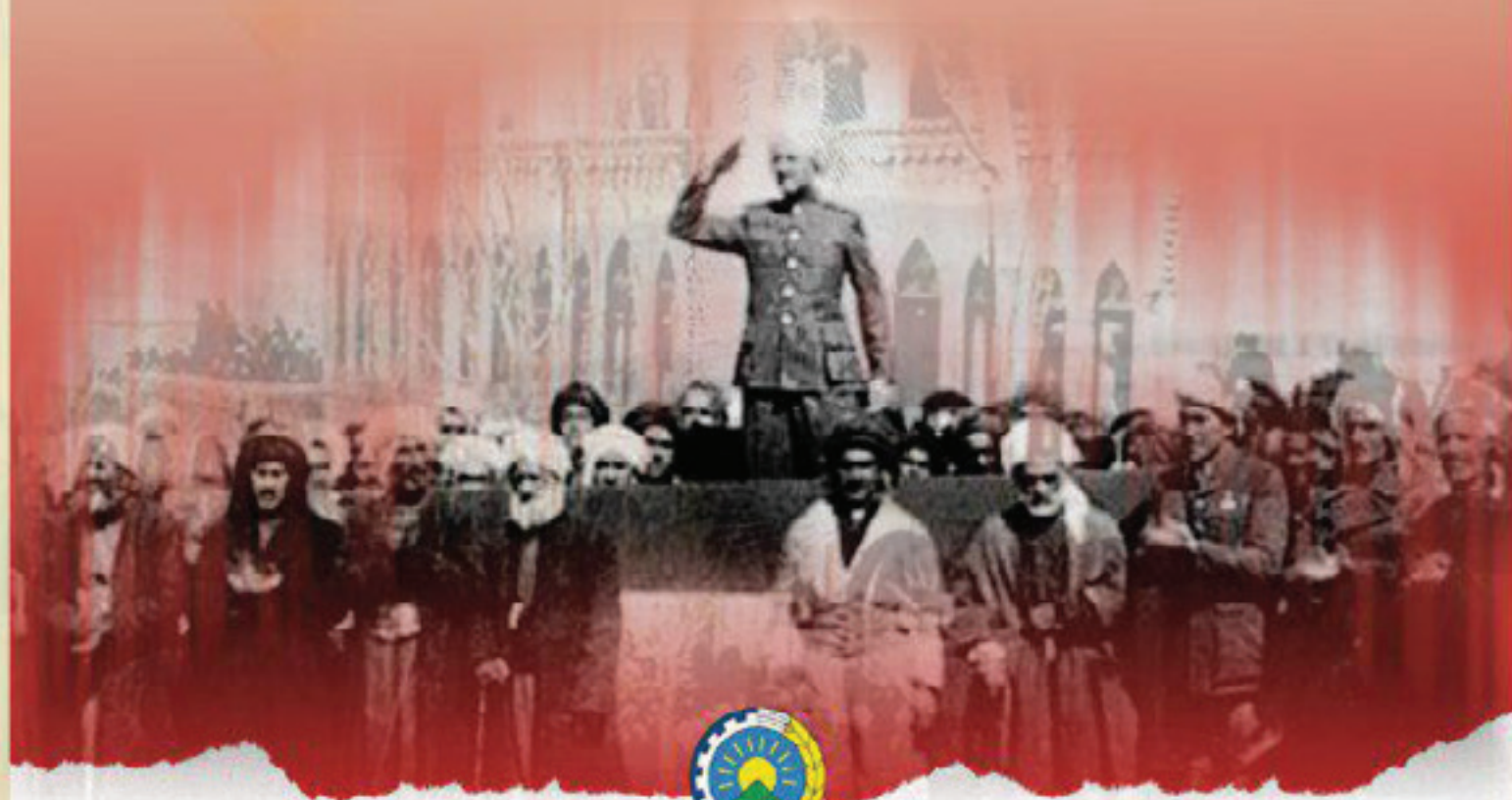
نفوذ رژیم جمهوری اسلامی در منطقه به فهرست سپاه مالی این از نوع خود تلاش تازه‌ی بود برای افزایش فشارها بر گروه‌های مورد حمایت ایران در منطقه و همچنین این امر نشانگر تغییر در رفتار حکومت نسبت به گروه‌های تروریستی مورد حمایت رژیم جمهوری اسلامی است. افزودن عاملان

گروه فاطمیون و زینبیون را به این لیست اضافه کرده است که این از نوع خود تلاش تازه‌ی بود برای افزایش فشارها بر گروه‌های مورد حمایت ایران در منطقه و همچنین این امر نشانگر تغییر در رفتار حکومت نسبت به گروه‌های تروریستی مورد حمایت رژیم جمهوری اسلامی است. افزودن عاملان



حزب دمکرات کوردستان

مرجع الهام برای بنیان آینده



حزب دمکرات کوردستان ایران
ارگان تبلیغات و اطلاع رسانی